

در چه زمانی با شهید محراب آیت‌الله حکیم آشنا شدید؟

بسم الله الرحمن الرحيم: من در دهه هفتم از قرن بیستم توسط شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر با شهید محراب آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم آشنا شدم. گاهی اوقات که به نجف اشرف می‌رفتم، هر چند مدت یک‌بار شهید حکیم را در بیت شهید صدر می‌یافتم. ارتباط خاص و یا همکاری با او نداشتم، فقط او را می‌شناختم، اما، پس از دستگیری او در پی حوادث مشهور بیستم ماه صفر سال ۱۹۷۷ توجه خاصی به ایشان پیدا کردم و به خاطر جهاد خستگی‌ناپذیر و موضع‌گیری اصولی و انعطاف‌ناپذیری او، علاقه‌مند شدم تا افتخار آشنایی با وی را داشته باشم. اما، در پی گسترش سلطه و نفوذ بعثی‌ها در عراق در پی روی کار آمدن صدام، حوادث شتاب بیشتری به خود گرفت.

از آن تاریخ عملیات نابودی و کشتار شخصیت‌های شیعه در سرتاسر کشور آغاز شد، و من نیز در سال ۱۹۷۹ در پی پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و خروج سیدمحمدباقر حکیم از عراق، دستگیر و یازده سال و چند ماه زندانی شدم. در این مدت هیچ گونه ارتباطی با جهان خارج از زندان نداشتم، تا اینکه توانستم در جریان ناکامی انتقاله نیمه شعبان در سال ۱۹۹۱ از زندان بگریزم. در پی این حادثه دردناک همراه حدود یک میلیون آواره عراقی به جمهوری اسلامی ایران پناهنده شدم، و شهید محراب به استقبال ما آمد.

در حقیقت لحظه استقبال آیت‌الله حکیم از پناهجویان عراقی، لحظه زیبا و شادای بخش بود. چرا که دوباره با او دیدار می‌کردم. او از جوانان رهایی یافته از زندان‌های صدام از جمله سید جعفر فرزند سیدعبدالصاحب حکیم برادرزاده شهید محراب به گرمی استقبال کرد و آنان را در آغوش گرفت. سیدعبدالصاحب حکیم پیش از این در زندان‌های حزب بعث به شهادت رسیده بود، و شهید حکیم از بازگشت سالم برادر زاده‌اش و سایر برادران مجاهد عراقی شادمان گشت.

از آن لحظه به بعد روابط من با آیت‌الله حکیم در جمهوری اسلامی گسترش و ادامه یافت. زیرا، او ریاست مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق را بر عهده داشت، و در برنامه‌های سیاسی مردم بسیار فعالی بود. و طبیعی است که

فکر و اندیشه شهید محراب به اندازه یک دایره المعارف، بسیار گسترده بود. دقیق‌ترین مسایل را پیگیری می‌کرد. این مسایل را از ابعاد و زاویه‌های مختلف تحلیل و مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌داد. عوامل گوناگون تاثیر گذار، مانند عوامل سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی را به دقت بررسی می‌کرد.

تماس‌ها و دیدارها بین ما افزایش یافت.

بفرمایید شهید محراب چه نقشی در برپایی همایش‌های مخالفان رژیم حزب بعث عراق داشته است؟

پس از خروج جنبش‌های مخالف عراقی از کشور به علت اقدامات تروریستی و فشارهای امنیتی رژیم صدام بر ضد اسلام‌گرایان و رهبران‌شان، آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم، اولین شخصیتی بود که به منظور گردآوری مخالفان رژیم حزب بعث، و یکپارچگی مبارزه، تصدی مسئولیت برپایی این همایش را بر عهده گرفت. بیشتر این همایش‌ها در ایران برگزار شد، و تعداد چشمگیری از گروه‌های مخالف عراقی در آن شرکت کردند.

من از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۱ در زندان به سر می‌بردم، اما، بی‌تردید همه کسانی که آزاد بودند بر تلاش‌های خستگی‌ناپذیر شهید محراب گواهی می‌دهند. همه تلاشگران که با افکار و دیدگاه‌های شهید محراب موافق یا مخالف بودند او را رکن اساسی مخالفان صدام می‌نامیدند. آنان معتقدند که سیدمحمدباقر حکیم در زمینه جهاد و اجتهاد، و خدمت به ملت عراق و مبارزه با رژیم طاغوتی پیشین عراق بسیار جدی و فعال بود.

ابعد اندیشه سیاسی آیت‌الله حکیم و تاثیرگذاری او بر روند مبارزات مردم عراق را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ شکی نیست، که فکر و اندیشه شهید محراب به اندازه یک دایره‌المعارف، بسیار گسترده بود. دقیق‌ترین مسایل را پیگیری می‌کرد. این مسایل را از ابعاد و زاویه‌های مختلف تحلیل و مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌داد.

عوامل گوناگون تاثیر گذار، مانند عوامل سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی را به دقت بررسی می‌کرد. در حقیقت تعداد رهبرانی که این گونه می‌اندیشند، و این گونه عمل می‌کنند اندک است. جهان‌بینی شهید محراب بسیار باز و گسترده بود. به مسایل با دورنگری و از ابعاد گوناگون نگاه می‌کرد. رهبری اسلام‌گونه آیت‌الله حکیم پس از سرنگونی رژیم صدام و بازگشت او از جمهوری اسلامی ایران به عراق کاملاً آشکار شد. طرح یکپارچگی جنبش اسلامی عراق، و وحدت و انسجام و همدلی ملت مسلمان عراق را مطرح کرد. ملت عراق را به وحدت کلمه و پیروی از مرجعیت دینی فراخواند. پس از بازگشت به عراق جنبش‌های مخالف رژیم حزب بعث را به فراموش کردن اختلافات گذشته که هنگام حضورشان در ایران به اوج رسیده بود دعوت کرد. از آنها خواست منافع ملی را بر منافع تنگ‌نظرانه حزبی و شخصی و زود گذر ترجیح دهند. بنابر این او پرچم وحدت بخش امت و پیروی از مرجعیت را به دور از هرگونه دسته‌بندی و جدایی طلبی و گروه‌گرایی به دست گرفت.

روابط آیت‌الله حکیم با شخصیت‌های سیاسی عراق چگونه بود؟

اگر برای پاسخگویی به این پرسش نخواهم دقیق سخن گفته باشم، باید بگویم که روابط شهید محراب آیت‌الله حکیم با شخصیت‌های عراقی در مراحل مختلف متفاوت بوده است. به ویژه هنگامی که در جمهوری اسلامی ایران حضور داشت و جهاد و مبارزه را بر ضد رژیم صدام رهبری می‌کرد. در آن مرحله، گاهی اوقات میان برخی سران و رهبران جنبش‌های اسلامی عراقی اختلاف نظر و چند دستگی به وجود می‌آمد. البته این گونه اختلاف نظرها در چارچوب یکپارچگی سیاسی کاملاً طبیعی است.

امکان دارد رهبران احزاب و سازمان‌های گوناگون در مورد اهداف و اصول و استراتژی یکپارچگی و جهاد اتفاق نظر داشته باشند، اما، بی‌تردید راهکارها و دیدگاه‌های آنان در مسائل جزئی و روزمره فرق می‌کند. فقها و مجتهدان نیز چنین هستند، چه رسد به رهبران جنبش‌های سیاسی؟! بنابر این اختلاف نظر میان سران جنبش‌های اسلامی و غیر اسلامی و لائیک و جنبش‌های لیبرالیستی و ناسیونالیستی یک امر طبیعی است. پس از سرنگونی رژیم صدام و بازگشت شهید

شهید حکیم همیشه آماده شهادت بود...

■ گفت‌وگوی «شاهد یاران» با دکتر سیدحسین شهرستانی

دکتر سیدحسین شهرستانی که مهمترین عامل گرایش خود به شهید محراب را در مجاهدت‌های خستگی‌ناپذیر و مواضع اصولی و انعطاف‌ناپذیری آن شهید در برابر دشمنان می‌داند، ۴۰ سال به عقب برمی‌گردد و به ویژگی‌های مبارزات مرجعیت حوزه نجف اشرف و نقش حساس شهید سیدمحمدباقر حکیم در یکپارچگی همه گروه‌های معارض عراقی و چگونگی تداوم این مبارزات می‌پردازد. دکتر سیدحسین شهرستانی کارشناس اتمی عراق به‌علت نرفتن زیر بار خواسته‌های صدام به مدت ۱۱ سال به زندان افکنده شد. او پس از فرار از زندان به جمهوری اسلامی ایران پناه آورد و به تشکیلات مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق پیوست. دکتر شهرستانی در گفت‌وگو با شاهد یاران، لحظه زیبای زندگی در کنار شهید محراب آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم را شرح می‌دهد و می‌گوید...



دکتر سیدحسین شهرستانی

من مطمئن هستم که نیروهای جوان و فعال و مؤمن عراق این خلأ را پر خواهند کرد. ملت عراق نسبت به خون شهید صدر و حکیم و نسبت به اسلام و خون امام حسین (ع) وفادار باقی خواهند ماند و سرزمین عراق را آنگونه که ائمه اطهار (ع) اراده کرده‌اند خواهند ساخت.

را بر عهده بگیرد. بر این اساس لازم است همه رهبران جنبش‌های اسلامی و احزاب سیاسی در اسرع وقت به عراق باز گردند. پس از فروپاشی بت خانه عراق درست نیست این رهبران از مردم‌شان دور بمانند. همه ما شاهد حضور میلیونی مردم عراق برای استقبال از سیدمحمدباقر حکیم هنگام خروج از ایران و بازگشت به عراق بودیم. میلیون‌ها مردم جنوب عراق با شادی به استقبال او آمدند، تا پیمان ببندند که در مسیر سازندگی عراق بر اساس عدالت و برابری در سایه اسلام همراه و همگام او باشند.

هنگام دریافت خبر شهادت آقای حکیم چه واکنشی نشان دادید؟

بی تردید در پی شنیدن خبر شهادت آیت‌الله حکیم شوک بزرگ و دردناکی بر من وارد آمد. اگر چه دستیابی تروریست‌ها به جان شخصیت‌ها و رهبران جنبش اسلامی و ملی را پیش‌بینی می‌کردیم. اما، هرگز باور نمی‌کردیم کسی گستاخی تجاوز و شکستن حریم شهر مقدس نجف اشرف را داشته باشد. آن هم در روز جمعه و در مقابل بارگاه امیر مؤمنان حضرت علی بن ابیطالب (ع) و پس از نماز جمعه. کسانی که به این جنایت دست زدند، در حقیقت به حریم اسلام و حریم حق و حریم امیر مؤمنان (ع) و حریم میهن تجاوز کردند. گمان نمی‌کردیم که شرارت و شیطنیت تا این اندازه در جسم و روان‌شان نفوذ کرده باشد، و به این جنایت هولناک و زشت دست بزنند. در این گفت‌وگو باز هم تکرار می‌کنم که هر یک از ما یک پروژه شهادت است و همه ما آماده شهادت هستیم و هر لحظه انتظار شهادت را داریم. دیگران هم باید این پرچم را در دست بگیرند و این راه را ادامه دهند؛ همان‌گونه که ملاحظه کرده‌اید، برادر شهید محراب سیدعبدالعزیز حکیم و سایر برادران پیکارگر و تلاشگر او پرچم را به دست گرفتند و این راه را ادامه می‌دهند و این حرکت متوقف نخواهد شد. این سنت جاری و فعلی خدا در میان مردم است. اکنون ملت آزاده عراق با سربلندی روی پای خود ایستاده و هرگز حاضر نیست در برابر هیچ احدی سر تسلیم و تعظیم فرود آورد. بی تردید در این مسیر دشوار شخصیت‌های دیگری شهید خواهند شد. همان‌گونه که امام حسین (ع) این راه و روش را به ما آموخت ما نیز رهرو راه او هستیم.

من از خداوند بزرگ تقاضای شهادت دارم. چرا که شهادت برترین و افتخار آمیزترین نوع مرگ است. اگر چه علاقه‌مند بودم شهید محراب آیت‌الله سید محمدباقر حکیم همچنان در میان حضور داشته باشد، و راهکار سازندگی عراق را با روش صحیح خود ادامه دهد، زیرا، وجود ایشان منشا اثر بزرگی بود و فقدان ایشان زبان بزرگی به شمار می‌آید. همان‌طور که فقدان شهید صدر خلأ بزرگی را ایجاد کرد اما، من مطمئن هستم که نیروهای جوان و فعال و مؤمن عراق این خلأ را پر خواهند کرد. ملت عراق نسبت به خون شهید صدر و حکیم و نسبت به اسلام و خون امام حسین (ع) وفادار باقی خواهند ماند و سرزمین عراق را آنگونه که ائمه اطهار (ع) اراده کرده‌اند خواهند ساخت. ■

آغاز کردند.

در آن مرحله اندیشه‌های کمونیستی، سوسیالیستی و ناسیونالیستی از سرزمین‌های مصر و سوریه به عراق یورش آورده بودند. آن روز امت اسلام مورد هجوم بیرحمانه فکری جریان‌اتحادی قرار داشت. این جریان‌های انحرافی بیشترین تأثیر را روی اقشار فرهیخته دانشگاهی و فرهنگی گذاشته بودند. بنابر این رویارویی رهبران جوان و پیشتاز مسلمان در برابر این تهاجم گستاخانه فکری به منظور مصون داشتن جوانان مسلمان اجتناب‌ناپذیر بود. شهید سیدمحمدباقر صدر با کمک و همکاری نخبگان جوان متعهد آن روز این مسئولیت را به عهده گرفت، و شهید محراب آیت‌الله حکیم بازوی راست و یار صدیق او در این رویارویی بود.

در حقیقت اندیشه سازماندهی و آماده سازی جوانان و فرزندان امت و مصون داشتن آنان در برابر تهاجم فکری شرق و غرب، و همکاری منظم با آنان، در چارچوب طایفه شیعه به نوعی یک ابتکار عمل نو بود. شیعیان آن روز در چارچوب مسایل اجتماعی و دینی کلی از مرجعیت پیروی می‌کردند. اما، در حوزه پیکار سیاسی و چالش اندیشه‌های داخلی و تهاجم فکری بیگانگان، راهکار روشن و اصولی وجود نداشت، و این مسئولیت سنگین را شهید صدر و شهید حکیم بر عهده گرفتند.

در زمان بازگشت آیت‌الله حکیم به نجف، عراق در شرایط سخت و دشواری قرار داشت، تصمیم و انگیزه بازگشت آیت‌الله حکیم به عراق را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

معمولاً رهبران بزرگ، به ویژه رهبران مسلمان، مسائلی امنیت شخصی را رعایت نمی‌کنند. فقط به چیزی اهمیت می‌دهند که اوضاع و شرایط اقتضا می‌کند. برای سربلندی اسلام و منافع میهن و عزت مردم‌شان بیشتر اهمیت قائلند. بنابراین، مسئله امنیت شخصی در کار نیست. و آن را چندان به حساب نمی‌آورند. شهید محراب آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم از آن دسته رهبرانی بود که چنین پیامدهایی را در محاسبات خود منظور نمی‌کرد. حتی، اگر جانش به خطر بیفتد. و این مفهوم باور جلدی شهادت را می‌رساند که شب و روز آرزوی آن را داشت. به نظر من تصمیم او برای بازگشت به عراق تصمیمی بسیار بجا و درست بود. بی‌تردید لازم دانسته به عراق بازگردد، و رهبری مردم عراق

محراب به عراق همه اختلاف نظرها در مسئله چگونگی سرنگونی صدام و بازسازی عراق بر مبنای برابری و عدالت اجتماعی میان همه شهروندان عراقی بدون تبعیض از بین رفت. شهید آیت‌الله حکیم از آن پس همه تلاش خود را برای نجات ملت عراق از پیامد فاجعه‌ها و درد و رنج‌های گذشته و سازندگی عراق نو بر اساس معیارهای نو و به دور از هرگونه تبعیض و بی‌عدالتی متمرکز کرد تا نسل‌های آینده در صلح و صفا و آرامش زندگی کنند. برای تحقق این اهداف، روابط دوستانه و مشترک آقای حکیم با همه رهبران جنبش‌های اسلامی و غیر اسلامی بر اساس همکاری و احترام متقابل و بر مبنای دفاع از آرمان ملت عراق و حفظ منافع کشور تقویت شد.

شما که از تاریخ چند دهه اخیر حوزه علمیه نجف اشرف اطلاع دارید، شیوه همکاری‌های شهید محراب با پدرش آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم و نیز مرحوم شهید صدر را چگونه دیدید؟

آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم پس از ارتحال آیت‌الله‌العظمی بروجردی، تصدی مرجعیت تقلید امت اسلامی را بر عهده داشت. دهها میلیون از شیعیان و مسلمانان جهان از او تقلید می‌کردند. با این وصف شهید محمد باقر حکیم که در بیت پدرش که در رأس امت اسلامی قرار داشت پرورش یافته است. به داشتن چنین پدری که اسوه و سرمشق بود، همواره افتخار می‌کرد. به یاد دارم که او و همه فرزندان آیت‌الله‌العظمی حکیم تحت تأثیر بیت مرجعیت پدر قرار داشتند. همه آنان بر اساس اسلام ناب تربیت و رشد کرده‌اند. اما، شهید سیدمحمدباقر حکیم از میان برخی برادرانش شاخص‌تر بود، افزون بر تفقه در دین و التزام کامل به راهکارهای اسلامی، پیکار سیاسی را نیز یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر می‌دانست، تا به دین وسیله اسلام بتواند جامعه را اداره کند، و حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ملت عراق را دگرگون و اصلاح سازد. دیدگاه شهید محراب و دیدگاه شهید سیدمحمدباقر صدر در این چارچوب یکسان بود. چرا که او از معدود شاگردان مکتب شهید صدر بود که از لحاظ فکری و پیکار سیاسی خود را با استاد هم‌عقیده و هم‌فکر می‌دانست. آن دو اولین شخصیت‌های حوزه علمیه نجف اشرف بودند که در نیمه قرن بیستم برای نجات جامعه عراق، اندیشه پیکار سیاسی و فعالیت‌های سازمانی مبتنی بر اصول اسلامی را



امام‌تباران جمعه در سخن‌گویی امیرالمؤمنین علیه‌السلام.